

آلیانس (اتحاد) برای جهانی مسؤول، چندگانہ و ہمبسته

آلیانس (کانون اتحاد) مجموعه‌ی غیررسمی از اشخاص و سازمان‌هایی است که اراده کرده‌اند تا به طور جمعی عمل کنند و در تغییر و تحولاتی که به چالش‌های قرن بیستویکم پاسخ می‌دهد نقش داشته باشند.

تاریخچه

از پایان دهه‌ی 1980 تاکنون، ابتکارات متعددی در مناطق مختلف جهان در حوزه‌های بسیار گوناگون به عمل آمده و تلاش شده تا با حرکت درآوردن دست‌اندرکاران مختلف اجتماعی فرایند جهانی گسترده‌ی ایجاد گردد که بتواند در جست‌وجوی ارزش‌ها، پیشنهادها و ضوابطی به منظور چیره شدن بر چالش‌هایی که بشریت با آن روبه‌روست، شرکت کند.

در آغاز دهه‌ی 1990، ملاقات‌های متعدد قاره‌ی، موضوعی و هم‌رسته‌ی سازمان داده شد. این فرایند سرانجام در سال 1993 به نگارش **پلتفورم برای جهانی مسؤول و همبسته** منتهی گردید.

این متن، که امروزه در بیش از 115 کشور به امضای چندین هزار نفر، چه به عنوان فرد و چه به عنوان نمایندگان سازمان‌ها و شبکه‌های تأسیس‌شده، رسیده است، مبانی زیر را پیشنهاد می‌کند:

- تشخیص ماهیت و علل عدم‌تعادل‌های جهان ما
- ارزش‌ها و اصول عملی به منظور ایجاد جهانی مسؤول و همبسته

اولویت‌ها و تدوین یک استراتژی

با ایجاد گروه‌های منطقه‌ی و رشد شبکه‌های حرفه‌ی و موضوعی در ارتباط با پرسش‌های بزرگ زمانه‌ی ما، آلیانس (اتحاد) به کار انداخته شد. از جمله پشتوانه‌های آلیانس، **انسان FPH** - در فرانسه و سویس، است.

هدف ابداع اشکال نوین عمل جمعی، از سطح محلی گرفته تا سطح جهانی، به منظور اثرگذاری جمعی بر آینده‌ی جهان است، جهانی که مدام پیچیده‌تر و وابستگی متقابل ابعادش به یکدیگر شدیدتر می‌شود.

چالشی که آلیانس درپیش گرفته مساعدت به ایجاد وحدت در گوناگونی از طریق اعلام توانایی جوامع موجود در فهمیدن و با ارزش‌شردن پیچیدگی موقعیت‌ها، وابستگی متقابل مشکلات، گوناگونی و مشروعیت دیدگاه‌های ژئوفرهنگی، اجتماعی و حرفه‌ی است.

سازماندهی

- کانون اتحاد (آلیانس)، که محل تبادل، تأمل و پیشنهادهاست، برگرد سه محور اصلی سازمانی، بناشده است:
 - گروه‌های محلی این هدف را دنبال می‌کنند که اشخاصی از یک محله، منطقه، کشور، و قاره را براساس واقعیت‌ها و چالش‌های جوامعشان گردهم آوردند. ما این را **راه ژئوفرهنگی** (جغرافی‌هنگی) نامیده‌ایم که بازتاب‌دهنده‌ی گوناگونی مکان‌ها و فرهنگ‌هاست.
 - گروه‌های متشکل از دست‌اندرکاران اجتماعی - حرفه‌یی برآند تا در درون فلان حرفه، یا دریک حوزه‌ی معین (جوانان، کشاورزان، دانشوران، نمایندگان محلی، و غیره)، گفت و شنود و تحرک برانگیزند. ما این شیوه‌ی فعالیت را **راه هم‌رسته‌یی** نامیده‌ایم که بازتاب‌دهنده‌ی گوناگونی حوزه‌های اجتماعی و حرفه‌یی، و نیز مشغله‌ها و مسؤولیت‌های آنها در برابر جامعه و چالش‌های دنیای کنونی است.
 - کارگاه‌های تماتیک یا موضوعی درپی آنند تا درباره‌ی پرسش‌های بزرگی که به آینده‌ی مشترک همه‌ی ما مربوط می‌شود (اداره کردن آب به طور پایدار، ادغام منطقه‌یی و جهانی‌شدن، بازارهای مالی، هنر و جامعه، ...) گروه‌های تأمل و بازاندیشی تشکیل دهند. این فعالیت را **راه موضوعی** نامیده‌ایم که بازتاب‌دهنده‌ی گوناگونی چالش‌هایی است که در برابر بشریت قرن بیست‌ویکم قرار دارد. کارگاه‌های موضوعی در چهار قطب گروه‌بندی شده‌اند: ارزش‌ها و فرهنگ، اقتصاد و جامعه، زمامداری و شهروندی، بشر و زیست‌سپهر.

سال‌های 2000 و 2001 مرحله‌ی مهمی را در تاریخ آلیانس رقم زده‌اند.

بهره‌مند شدن از ثروت تجارب انباشته شده توسط گروه‌های بازاندیشی و تأمل درعین پیوندیابی با پویش‌های هم‌گرای شهروندانه، هدف اصلی در طی این دو سال بوده است.

این مرحله موارد زیر را دربرمی‌گیرد:

- کوشش در بازاندیشی و ایجاد بحث در همه‌ی کارگاه‌ها (ژئوفرهنگی، هم‌رسته‌یی و موضوعی)، به منظور دستیابی به پیشنهادها و انضمامی و به‌طور جمعی تدوین‌یافته.
- سازماندهی **ملاقات‌های بین‌المللی، موضوعی و هم‌رسته‌یی**، در درون هر کارگاه و با سایر گروه‌های موجود، در تمام طول این مدت (سال‌های 2000 و 2001). این فرایند با انتشار «**دفترهای پیشنهادات برای قرن 21**» و **تدوین منشوری برای جهانی مسؤول، چنگانه و هم‌بسته**، مادیت یافته است.

- سازماندهی چهار **جمع قاره‌یی به‌طور همزمان** (اروپا؛ آسیا؛ آمریکا، آفریقا) و یک ملاقات منطقه‌یی در جهان عرب (در لبنان) در ژوئن 2001 .
- به منظور یکپارچه و ارزشمند کردن هم‌هی دستاوردها و ابتکارات هرگروه، در دسامبر 2001 در شهر لیل (فرانسه) یک **جمع جهانی** برگزار گردید.

اطلاعات و ارتباطات

در سایت اینترنتی آلیانس <http://www.alliance21.org/> به سه زبان فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی، تاریخچه‌ی آلیانس، چالش‌هایی که می‌خواهد به آنها پاسخ دهد، کارگاهها و فوروم‌های گفت‌وگو، ارائه شده است.

برگه‌های ارتباط منطقه‌یی منظم‌اً منتشر می‌شود: **Claves** به زبان اسپانیایی برای آمریکای لاتین، **Carta Brasil** به زبان پرتغالی، **Butterfly Futures** به زبان انگلیسی برای آسیا و مناطق اقیانوس آرام، **Majatal** به زبان عربی.

Caravane روزنامه‌ی آلیانس، از پویایی و تحرک آلیانس گزارش می‌دهد. این روزنامه هرچهارماه به سه زبان فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی منتشر می‌شود. هر شماره به یک منطقه و یک یا دو پرونده‌ی موضوعی اختصاص دارد. مشخصات و معرفی‌نامه‌ی اشخاصی که در فعالیت‌های آلیانس سهیم‌اند، به شکل فهرست راهنما، روی سایت اینترنت قرار داده شده است.

برای اطلاعات بیشتر:

L'Alliance pour un monde responsable, pluriel et solidaire

E-mail : info@alliance21.org - Site internet : www.alliance21.org

a/s FPH, 38, rue Saint-Sabin, 75011 Paris

Tél : (33.1) 43 14 75 75

Fax (33.1) 43 14 75 99

E-mail : alliance@echo.org

Site internet : www.echo.org

موضوع، محتوا، و شیوه‌ی تدوین

منشور مسئولیت‌های انسانی

ایده‌ی تدوین منشور از کجا می‌آید؟
«زمین، یگانه میهن ماست، میهنی یکتا و جان‌نشین‌ناپذیر. بشریت، در تمامی اشکال گوناگون‌اش، متعلق به جهان زنده و بخشی از تکامل آن است. سرنوشت این‌دو، از یکدیگر جدایی‌ناپذیر است.»

با این کلمات بود که، در سال 1999، نخستین پیشنهاد منشور به گروه‌های کاری مختلف در بخش **اتحاد (آلیانس) برای جهانی مسؤول، چنگدانه و همبسته**، آغاز شد. این برهه‌ی اساسی از منشور اتحاد و فرایندی از گفت‌وگوهای گوناگون و پُرتب‌وتاب میان همه‌ی آنهایی بود که در برابر بحران‌های گریبانگیر بشریت، دلوپسی‌هایی مشترک داشتند و می‌خواستند در وحدت-یابی با دیگران به مصاف چالش‌های زمانه رَوَند. مباحثات برسر این نکات بود: ضرورت یک منشور، مشروعیت، ماهیت و فرایند تأیید آن، شیوه‌ی عملی کردن آن در بطن جامعه‌ی مدنی و در سطح نهادهای بین‌المللی.

پروژه‌ی سال 1999، در تمامی طول فرایندش، همچون یک *pré-texte*، به هردو معنای کلمه، یعنی هم "پیش-متن" و هم "بُنه"، پدیدار شد. زیرا از یکسو به دیالوگی شدید میان فرهنگی و میان‌رشته‌ی دامن زد، و از سوی دیگر اصلاحیه‌های پیشنهادی دیگری برانگیخت.

چرا یک منشور جدید؟

در سال 1993، **اتحاد (آلیانس)** از انتشار یک متن بنیان‌ساز زاده شد: **پلتفورم برای جهانی مسؤول و همبسته**. این پلتفورم در واقع فراخوانی بود برای وحدتیابی ما به قصد چیرگی بر احساس ناتوانی در مقابل بحران‌های عمده‌ی دنیای کنونی: شکاف میان جنوب و شمال، فقیران و ثروتمندان، مردان و زنان، طبیعت و بشریت. پلتفورم یادشده نقشی اساسی در بسیج کسانی از همه‌ی قاره‌ها ایفا کرد، کسانی که تجارب و ایده‌هایشان را در اغلب قلمروهای فعالیت انسانی بایکدیگر تقسیم می‌کردند تا بتوانند پیشنهادهایی تدوین کنند که تأمین حیاتی شایان همه‌ی آدمیان و نیز حفاظت از سیاره را میسر سازد.

در جریان این نخستین مرحله، شرکت‌کنندگان به این نتیجه رسیدند که برای مقابله با چالش‌های بزرگ قرن 21 لازم و عاجل است که میان انسانها پیمان اجتماعی جدیدی تدوین گردد که به آنها امکان دهد همیاری *partenariat* میان خود

برقرار سازند به این منظور که بقای بشریت و سیاره را تضمین کنند. چنین پیمانی می‌بایست به شکل منشور منتخب شهروندان سراسر جهان، و سپس نهادهای بین‌المللی، درآید.

یک «ستون سوم»

در حال حاضر، حیات بین‌المللی بر دو ستون استوار است: **اعلامیه جهانی حقوق بشر**، متمرکز بر احترام به ارج افراد و دفاع از حقوقشان، و **منشور سازمان ملل**، متمرکز بر صلح و توسعه. این دو ستون، با چارچوبی که آفریده‌اند، نقشی مسلم در پیشرفت سازماندهی مناسبات بین‌المللی ایفا کرده‌اند. اما، در طول پنجاه سال گذشته، جهان تغییراتی ریشه‌یی کرده است. بشریت امروزه با چالش‌های نوینی روبه‌روست. روشن است که این دو ستون اولیه شالوده‌ی کافی برای تغییرات جاری و آتی ندارند.

ایده‌ی پایه‌ریزی یک ستون سوم، یک «منشور زمین»، که اساساً به روابط میان بشریت و زیست-سپهر (biosphère) بپردازد، نخستین بار در کنفرانس جهانی محیط زیست، در سال 1972 در استکهلم، پدیدار گردید. این ایده به هنگام تدارک «اجلاس زمین»، در 1992 در ریودوژانیرو، بار دیگر مطرح شد، اما نگارش یک «منشور زمین» سرانجام عملی نگردید زیرا دولت‌های شرکت‌کننده بر سر نحوه‌ی یک فورمول‌بندی، که براساسی متناسب با چالش‌های جهان باشد، به توافق نرسیدند. از آن‌هنگام تاکنون، در درون جامعه‌ی مدنی بین‌المللی، پروژه‌های پُرشماري به عنوان منشور برپایه‌ی ابتکاراتی با خاستگاه‌های گوناگون تدوین گردیده است.¹ شکوفایی چنین ابتکاراتی نشان می‌دهد که از نظر اشخاص بیشماري ایجاد این "ستون سوم" اکنون عاجل‌تر از هر زمان دیگر شده است. **آلیانس** نگارش جمعی چنین منشوری را یکی از اهداف خود قرارداد.

فرایند نگارش منشور

1- برخی از این‌گونه ابتکارات که **اتحاد** نیز به آنها پیوسته است عبارتند از:

- « اعلامیه برای اخلاق جامع»، نگارش **پارلمان ادیان جهان**، برگزار شده در شیکاگو، در 1994.
- « پروژه‌ی اخلاق جهانی»، که بخش فلسفه و اخلاق یونسکو در حال نگارش آن است.
- « اعلامیه‌ی جهانی برای مسؤولیت انسانی» که توسط Interaction Council Congress با امضای 25 تن از شخصیت‌های برجسته در سال 1997 در وین نگاشته شده است.
- « منشور زمین» که نگارش مشترک شورای زمین (Maurice Strong) و صلیب سبز بین‌المللی (Mikhail Gorbachev) است.
- ما برای غنی ساختن پروژه‌ی خود از این ابتکارات، در روندی از بارورسازی متقابل، تلاش کرده‌ایم.

فرایند تدوین یک منشور صورتی تکرارشونده داشت، زیرا باید دو هدف وحدت و گوناگونی را برآورده می‌ساخت: می‌بایست توأم با رعایت گوناگونی فرهنگی، زبانی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی، شالوده‌های مشترک برای عمل نیز پیریزی می‌شد. قرار شد روال کار به صورت رفت و برگشت باشد تا به تدریج نوعی همگرایی ایجاد گردد.

از سال 1995 تا 1998، به ابتکار آندره له‌وسک Adnré Levesque، در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و اروپا، کارگاه‌هایی راه‌انداخته شد. هدف از ایجاد این کارگاه‌ها استخراج ارزش‌ها و اصول مشترک براساس واقعیت روزمره‌ی زیسته‌شده در جوامع گوناگون بود. نخستین پیشنهاد منشور (1999)، حاصل این کارها بود.

از 1999 تا پایان سال 2000، با بررسی این امر که اصول یادشده چگونه می‌تواند به گونه‌ی خاص در قلمروهای متفاوت فعالیت انسانی و بافتهای مختلف فرهنگی به کار رود، این طرح منشور به طور منظم به آزمون گذاشته شد. در همان مقطع، بسیاری از کارگاه‌های *آلیانس* درحال تدوین پیشنهادهایی بودند که هرکدام در قلمرو خاص خویش بتواند پاسخگوی چالش‌های قرن بیستویکم باشد.

واکنش‌هایی که طرح منشور 1999 برانگیخت و بررسی این پیشنهادها به اتخاذ این تصمیم در سال 2001 انجامید که طرح یادشده در متنی گنجانده شود که بتواند مجموعه‌ی این تأملات را در خود جای دهد.

کمیته‌ی نگارش² در پاییز سال 2001 طرح اولیه‌ی خود را برای بررسی در اختیار «کمیته‌ی فرزندگان»³ نهاد. تفسیرهای این کمیته بر طرح اولیه بهکردهای چشمگیری در آن به وجود آورد. این پیشنهاد نهایی برای بررسی در اختیار مجمع *آلیانس* در دسامبر 2001 در شهر لیل، قرار داده شد. شرکت‌کنندگان در این مجمع، درستی و به‌جا بودن این پیشنهاد را باتوجه به بافتهای متفاوت خویش بررسی کردند. تفسیرهای حاصل از این بررسی‌ها نگارش پیشنهاد این منشور را به روایتی که در پی خواهد آمد، میسر ساخت. متن یادشده اکنون برای بحث در اختیار متحدان قرار می‌گیرد تا از آوریل 2002 به صورت یک متن نهایی وسیعاً توزیع گردد. (ترجمه‌ی فارسی حاضر پس از این تاریخ انجام گرفته است. توضیح مترجم).

² - که اعضای آن عبارت بودند از: Wesley ARIARAJH, Tannous BASSIL, Elisabeth BOURGUINAT, Edith SIZOO.

³ - که اعضای آن عبارت بودند از: Pierre CALAME, CHAN Ngai Weng, Carmelina CARRACILLO, Hamidou Aboucabry DIALLO, Hamilton FARIA, Eulalia FLOR, Philippe GUIRLET, Stephane HESSEL, André LEVESQUE, Edgar MORIN, Raimundo PANIKKAR, Makarand PARANJAPE, Konrad RAISER, Cécile SABOURIN, John TAYLOR, Gerald WANJOHI, YU Shuo, ZHAO Yifeng

سفر در شهر لیل متوقف نمی‌شود
پس از جمع لیل، پیشنهاد منشور باید در دل جامعه‌ی مدنی،
و امیدواریم دیر یا زود در نهادهای بین‌المللی نیز، به راه
خود ادامه دهد. **آلیانس** همچنان به آزمون درستی متن منشور در
ارتباط با بافت‌های فرهنگی مختلف و حوزه‌های اجتماعی-
حرفه‌یی گوناگون، ادامه خواهد داد.

منشور: هسته‌یی مشترک برای تنوع پیشنهاداتی که **آلیانس**
حمل آن‌هاست

منشور مسؤولیت‌های انسانی پدیده‌یی خودکفا و خودبین
نیست. این منشور صرفاً روشن‌کننده‌ی اساس وجه مشترکی است که
میان پیشنهادات تدوین‌یافته توسط گروه‌های کاری مختلف در
آلیانس وجود دارد: فراخوان آگاه شدن از ضرورت اکید تقبل
مسؤولیت‌های جدید هم از لحاظ فردی و هم در سطح جمعی است.
اصول رهنمون‌کننده‌ی این منشور همچون هسته‌ی مشترکی است که
می‌تواند به قلمروهای گوناگون فعالیت انسانی منتقل شده و
در آنها صورت انضمامی یابد، و به شکلی متناسب با ویژه‌گی-
های هر فرهنگ به زبان‌های مختلف منتقل گردد. به بیان
استعاره‌ی، این هسته‌ی مشترک را می‌توان همچون ریشه‌های درختی
دید که، مانند درخت بانیان، شاخه‌های بسیار و تنه‌های
جدید از آن می‌روید که هرکدام در راستای ترجمه‌ی این اصول
رهنمون‌کننده در بافت‌های گوناگون فرهنگی و قلمروهای
متفاوت فعالیت انسانی به وجود می‌آیند.

شاخص‌های عمده‌ی منشور

شاخص‌های عمده‌ی منشور عبارتند از:

- این منشوری است از مسؤولیت‌های بشریت در برابر چالش-
های قرن بیستویکم.
- این منشور سندی به اقتضای احوال، که در ارتباط با
مشغله‌های کوتاه‌مدت یا یک فعالیت انسانی خاص شکل
گرفته باشد، نیست. برعکس، منشور اصول کلی‌یی را
پیشنهاد می‌کند که میان همه‌ی کسانی که این اصول را
برمی‌گزینند، مشترک است.
- این منشور باید به‌مثابه پایه‌یی برای پیمان اجتماعی
نوینی به کار رود که معرف قواعدی نو برای هر حوزه‌ی
اجتماعی و حرفه‌یی با توجه به روابط آنها با اجتماع
باشد. این منشور خواهان آن است که چارچوب مرجعی
برای رفتارهای شخصی و نیز زندگی سیاسی، نهادی و
حقوقی باشد.
- اصول کلی اعلام‌شده در این منشور باید در بافت‌های
گوناگون ترجمه شود و موضوع کاربست‌های تدریجی در

قلمروهاي مختلفِ فعاليتِ انساني قرارگيرد و در واقع چارچوب مرجعي براي حوزه‌هاي متفاوت باشد (اشخاص، جوامع، حوزه‌هاي اجتماعي- حرفه‌يي، دولت‌ها، شرکته‌ها و بنگاه‌هاي تجاري، وغيره...).

آيا مفهوم « مسؤوليت » يک مفهوم جهانشمول است؟ هم آري و هم نه. مي‌توان در همي گروه‌هاي اجتماعي با مضمون مسؤوليت، به عنوان مفهومي اخلاقي، ليکن با تلقي‌هاي متفاوت از نحوه‌ي تقبل آن، روبه‌رو شد. در برخي جوامع، مسؤوليت بيش از آنکه برعهده‌ي عضوي از جامعه به ابتکار خودش باشد، از طرف گروه به يک شخص معين واگذار مي‌شود. در چنين شرايطي، شيوه‌يي که براي مسؤول دانستن هر شخص نسبت به اعمال‌اش به کار مي‌رود در عمل فرق مي‌کند. و به هنگام تعيين محتواي قانوني ايده‌ي مسؤوليت، تفاوت‌هاي فرهنگي نيز پُررنگ‌تر مي‌شود. بحراني که بشريت اکنون با آن روبه‌روست، فراگذشتن از اين تفاوت‌ها را الزامي ساخته است. همان گونه که ملت‌هاي جهان ايده‌ي « حقوق بشر » را پذيرفته‌اند، اکنون نيز بايد مضمون « مسؤوليت‌هاي انساني » را به قاموس همگاني وارد کرد. وانگهي، امکان يک همکاري و زمامداري جهاني بدون برخي ايده‌ها و اصول قابل تصور نيست؛ ايده‌ها و اصولي که، با هرگونه خاستگايي، بتوانند براي مجموعه‌ي بشريت مفيد تشخيص داده شوند.

مسؤوليت در قبال خودِ زندگي

دامنه‌ي بحران‌هاي اجتماعي و زيست‌محيطي زمانه‌ي ما موجب شده که موضوع اصلي اکنون موهبتِ خودِ زندگي باشد. زندگي را انسان‌ها نيافریده‌اند. انسان‌ها جزو زندگي-اند: زندگي، رازي است که زندگان را به هم مي‌پيوند و در طبيعت، در بطن بشريت، و در ارتباط اين دو با يکديگر، استمرار مي‌يابد. بشريت، به رغم گوناگوني‌اش، مسؤوليتِ مشترکِ حفاظت از حق حيات را برعهده دارد. از همين‌رو، منشوري که برپايه‌ي چنين آگاهي و شعوري بنا شده باشد، به معنای اکيد کلمه «جهانشمول» است، زيرا به هر آنچه در هستي وجود دارد، چه مرئي و چه نامرئي، مربوط است. اين منشور دربرگيرنده‌ي چيزي است که از حد توانايي انساني ادارک و اداره‌گري فراتر مي‌رود اما بشريت در مجموعه‌ي خود، مسؤول آن است. ضرورتِ آفريدن و حفظ جايگاهِ مردمان ديگر و اشکال ديگر زندگي از اين مسؤوليت بنيادي سرچشمه مي‌گيرد. شيوه‌ي قبول و قسمت کردن اين جايگاه و اين مسؤوليت در بافت‌هاي مختلف تغيير مي‌کند اما در همه جا حفاظت از جايگاه

دیگران و اشکال دیگر زندگی بخش لاینفکی از حفاظت از خود زندگی است.
چنین نگرشی الهام بخش منشور پیشنهادی بوده است که در پی می آید: منشور مسؤلیت های انسانی.

منشور مسؤولیت‌های انسانی

پیش‌گفتار

تا پیش‌از این زمان هرگز سابقه نداشته است که انسان‌ها بر زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یکدیگر چنین تأثیر عمیقی داشته باشند. پیش‌از این هرگز سابقه نداشته است که انسان‌ها برای دگرگون ساختن محیط طبیعی خویش دارای این همه شناخت و توانایی باشند.

به‌رغم امکاناتِ هنگفتی که برخاسته از این روابط متقابل روزافزون است و باوجود توان نوینی که بشر کسب کرده، در قلمروهای پُرشماری بحران‌هایی بی‌سابقه پدید آمده است. رشدِ ناهمگونی‌های اقتصادی در درون ملتها و نیز در بین آنها، تمرکز قدرتِ اقتصادی و سیاسی در دستِ عده‌ی بیش-ازپیش معدود، در معرض تهدید قرارگرفتنِ گوناگونی فرهنگ-ها، و یا استثمار بیش‌ازحدِ منابع طبیعی، آشوب و ستیزه‌های بسیاری در سراسر جهان آفریده و بیم‌ونگرانی‌های بزرگی درباره‌ی آینده‌ی سیاره‌ی ما ایجاد کرده است: ما اینک بر سر چهارراهی از تاریخ بشری ایستاده‌ایم.

اما نهادهای اجتماعی‌یی که باید مقابله با این چالش‌ها را میسر سازند به شیوه‌ی مردم ناکاراتر عمل می‌کنند. قدرتِ تهاجمی بازارهای بین‌المللی نقش سنتی دولتها را ضعیف ساخته است. نهادهای علمی، با دنبال‌کردن منافع تنگ‌تخصصی‌شان، بیش‌ازپیش از تحلیل و توجه کردن به مسائل فراگیری که در تعامل‌شان گریبانگیر بشریت شده‌اند، سربازمی‌زنند. نهادهای اقتصادی بین‌المللی موفق نشده‌اند جریان رشدِ نابرابری‌ها را معکوس سازند.

جست‌وجوی سود توسطِ بنگاه‌ها و شرکتهای اغلب با زیرپانهادن منافع اجتماعی و زیست‌محیطی انجام شده است. نهادهای مذهبی نقش خود را در پاس‌خگویی به چالش‌های جدیدی که رویاروی جوامع ماست به‌قدر کافی ایفا نکرده‌اند.

در چنین بستری، هریک از ما باید، هم به‌طور فردی و هم در سطح جمعی، مسؤولیت‌های خود را برعهده گیریم.

منشور حاضر سرشتِ این مسؤولیت‌ها و این که به چه شیوه‌ی بی‌باید انجام شوند را تعریف می‌کند. این منشور گام نخستین است به سوی بنای یک زمامداری فراگیر مردم‌سالار برپایه‌ی مسؤولیت‌های انسانی و چارچوب حقوقی‌یی که انجام این مسؤولیت‌ها را دربرمی‌گیرد.

سرشتِ مسؤولیت‌ها

وابستگی متقابل روزافزون میان افراد، میان جوامع، و میان انسانها و طبیعت، تأثیرات رفتار افراد و گروه‌ها را بر محیط اجتماعی و طبیعی‌شان، خواه دور و خواه نزدیک، قوت بخشیده است.

این وضعیت هر یک از ما را، برای ایفای نقش در عرصه‌ی چالش‌های جدیدی که در مقابل بشریت قرار دارد، با امکانات تازه‌ی روبه‌رو می‌سازد: هر انسانی قادر است مسؤولیت‌هایی را برعهده گیرد؛ حتا آنگاه که اشخاص احساس ناتوانی می‌کنند، همچنان از این امکان برخوردارند که با دیگران متحد شوند و نیروی جمعی بیافرینند.

موجودات انسانی می‌توانند به‌طور یکسان داعیه‌ی حقوق انسانی‌شان را داشته باشند، درحالی‌که مسؤولیت‌های آنها به تناسب امکاناتی است که در اختیار دارند. هرچه یک شخص آزادی بیشتر، دسترسی بیشتر به اطلاعات، به شناخت، به ثروت، داشته باشد، توانایی‌اش در انجام مسؤولیت‌ها و تکلیف‌اش در پاسخگویی در مقابل اعمال خود بیشتر است.

مسؤولیت‌ها نه فقط اعمال حال و آینده بلکه اعمال گذشته را نیز دربرمی‌گیرد. خساراتی که به‌طور جمعی در گذشته به عمل آمده است بایستی توسط جمع مربوطه اخلاقاً برعهده گرفته شود و تا جایی که امکان دارد به طور انضمامی جبران گردد.

از آنجایی که ما فقط بر جزئی از پیامدهای اعمال کنونی و آتی‌مان واقفیم، مسؤولیت‌مان نیز ایجاب می‌کند با فروتنی بسیار عمل کنیم و احتیاط و دوراندیشی از خود نشان دهیم.

انجام مسؤولیت‌ها

درس‌اسر تاریخ بشر، سُنت‌های حکمت و فرزانه‌گی، چه دینی و چه غیردینی، برای هدایت سلوک انسانی به سوی یک رفتار مسؤولانه، ارزش‌هایی را تعلیم داده‌اند. پایه و اساس این تعلیم بر این ایده، ایده‌یی که همچنان فعلیت دارد، استوار بوده که تغییر و تحول جامعه بدون تغییر و تحول فرد ناممکن است.

این ارزش‌ها احترام به هر شکل از حیات و حق داشتن یک زندگی سربلندانه، ارجحیت گفت‌وشنود بر خشونت، همدردی و توجه به حال دیگران، همبستگی و مهمان‌نوازی، راستگویی و صداقت، صلح و هماهنگی، عدالت و انصاف، ارجحیت خیر و صلاح همگان بر منافع خصوصی، را دربرمی‌گیرد.

با این حال گاهی باید این ارزش‌ها را نسبت به یکدیگر در توازن قرار داد، مثلاً آنگاه که فرد یا اجتماعی با معضلاتی چون ضرورت تدارک توسعه‌ی اقتصادی توأم با مراقبت از محیط زیست و رعایت حقوق انسانی مواجه می‌گردد.

درچنین مواردی، مسؤولیت انسانی ايجاب می‌کند که هیچ‌یک از این الزامات قربانی سایر الزامات نشود. چراکه بیهوده خواهد بود اگر چنین انگاشته شود که مشکلات بی‌عدالتي اقتصادی، بی‌احترامی به حقوق انسانی و زیست‌محیطی را می‌توان یکی بدون دیگری به طور پایدار حل کرد. همه مردم جهان باید به این وابستگی متقابل آگاهی یابند؛ و حتی اگر اولویت‌هایشان هم برحسب تاریخ ویژه و زمینه و بافت کنونی آنها فرق کند، بازهم نمی‌توانند با این اولویت‌ها بی‌اعتنائی‌شان را به موضوع‌های مهم دیگر توجیه کنند.

در بستر چنین ذهنیتی اصول زیر تدوین گردیده است.

اصولي که باید راهنمای انجام مسؤولیت‌های انسانی باشد
به صورتی که در نشست پایانی **مجمع جهانی شهروندان** در شهر لیل (فرانسه) به تاریخ 10 دسامبر 2001 ارائه شده است.

برای مقابله با چالش‌های امروزه و آینده، هم وحدتیابی در عمل و هم حفظ گوناگونی فرهنگی و بهره‌مند شدن از غنای آن اهمیت دارد.

در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اولویت‌های کوتاه‌مدت باید برای سنجش پیامدهای درازمدت تلاش کرد و رفتاری احتیاط‌آمیز پیشه نمود.

همه‌ی ما مسؤولیت داریم در شیوه‌های اندیشه و کردارمان به حقوق انسانی زندگی بخشیم.

سربلندی هرکس ايجاب می‌کند که در راه آزادی و سربلندی دیگران بکوشد.

بدون عدالتي حرمت‌گزار سربلندی انسانی، برقراری صلح پایدار ممکن نیست.

اجرای قدرت و حکومت فقط هنگامی مشروع و قانونی است که در خدمت خیر همگان باشد و توسط کسانی که تابع اجرای این قدرت‌اند، کنترل گردد.

مصرف منابع طبیعی برای برآورده ساختن نیازهای انسانی باید با حفاظت فعالانه از محیط زیست همراه باشد.

جستوجوي رونق و مکنّت اقتصادي از طريق سازکارهاي بازار
بايد مشغلهي تقسيم منصفانهي ثروت را هم دربرگيرد.

آزادي پژوهش علمي مستلزم پذيرش حدودمرز معيارهاي
اخلاقي است.

آموزش معطوف به برتري و متكي بر رقابت بايد از راه
آموزش متكي بر همبستگي و فرهنگ صلح متعادل گردد.

براي تأمين شكوفايي آدمي بايستي هم به تمايلات غيرمادي و
هم به نيازهاي مادي او پاسخ داده شود.

توأم با بهره‌مند شدن از پويش نظام بازار، بايد براي
مبادلات غيركالايي نيز، كه اهميتي حياتي در رشد آدمي
دارند، شرايطي مساعد آفريد.